

معنا، واقع و صدق در گزاره‌های دینی

محمدباقر سعیدی روشن

زمستان ۱۳۹۷

سعیدی روشن، محمدباقر، ۱۳۴۰ - .
معنا، واقع و صدق در گزاره‌های دینی / محمدباقر سعیدی روشن. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۷.
دوازده، ۳۳۰ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۶۹: گروه قرآن پژوهی؛ ۵۲) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ ۲۲۴۰: گروه تخصصی فلسفه و کلام؛ ۸۷)
بها: ۲۴۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۳۰۵]-۳۱۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. شناخت (فلسفه اسلامی) - جنبه‌های قرآنی. ۲. تفاسیر - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد. ۳. مباحث الفاظ.
۴. معنی‌شناسی (فلسفه). ۵. شناخت (فلسفه دین). ۶. زبان‌شناسی - فلسفه. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی. ج. عنوان.
۱۳۹۷ ۷س / ۸۵ش / ۱۰۴ BP
شماره کتابشناسی ملی
۲۹۷ / ۱۵۹
۵۱۲۱۴۹۷



معنا، واقع و صدق در گزاره‌های دینی

مؤلف: محمدباقر سعیدی روشن

«پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی»

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسگری

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۲۴۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰.

ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ - ۰۲۱

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu

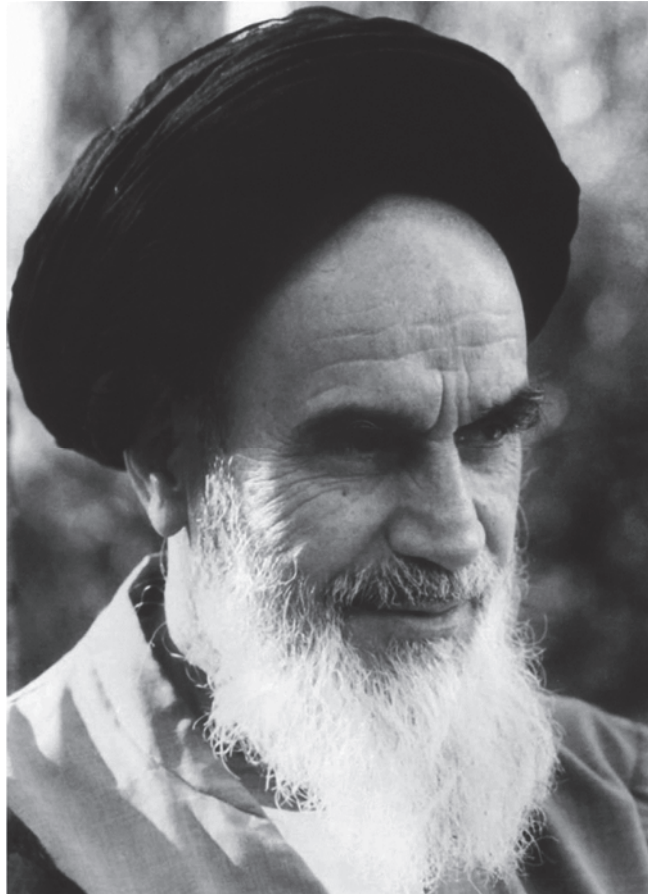
تهران: بزرگراه آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه‌روی پمپ گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،

تلفن: ۴۴۲۴۶۲۵۰، شماره: ۴۴۲۴۸۷۷۷ ● تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۱۰۷ و ۱۰۹، تلفن: ۶۶۴۰۸۱۲۰، شماره: ۶۶۴۰۵۶۷۸

Website: www.samt.ac.ir

Email: info@samt.ac.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



... اصلاً وقتی که انسان اشتغال به یک علمی پیدا کرد و منحصر شد به آن و تمام توجهش انحصار به آن پیدا کرد، اصلاً قلب همچو می شود که همه اش عرفان می شود؛ دیگر کار به این ندارد که دنیا هم یک چیزی است و تربیت های دنیایی یک چیزی است، و عبادات هم یک مطلبی است و عرض می کنم که ادعیه هم یک مطلبی است، و اینها هم یک مطلبی. اینها برگشتش به همان معناست و در دلش غیر از این معنا نیست؛ ولهذا آن چیزهایی که برخلاف اوست اصلاً ادراک نمی کند، همه اینها را برمی گرداند به آن مطلبی که در پیش خودش مسلم است.

صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۴۴

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره‌کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه هفتاد و دومین کار مشترک خود را با انتشار کتاب معنا، واقع، و صدق در گزاره‌های دینی به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، ما را در جهت ارتقای کیفی کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته فلسفه دین در دروس زبان دین، معرفت‌شناسی دینی و روش‌شناسی فهم دین در مقطع ارشد و درس زبان دین در مقطع دکتری و برای دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث در مقطع دکتری برای درس‌های نقد آراء معاصران درباره قرآن و تحلیل زبان قرآن و نیز برای دروس تفسیر قرآن قابل استفاده است. امید است که علاوه بر جامعه دانشگاهی سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

سازمان سمت

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

فهرست مطالب

۱	سرآغاز
۲	هدف
۲	ضرورت
۲	نوآوری‌ها
۵	فصل اول: مبادی و قلمرو حوزه پژوهش
۵	۱-۱. مسئله معنا
۷	۲-۱. واژه معنا
۸	۳-۱. ساخت‌های گوناگون معنا
۱۰	۴-۱. مفهوم و معنا
۱۱	تفاوت‌های معنا و مفهوم
۱۱	نسبت معنا و مفهوم
۱۲	۵-۱. مدلول و معنا
۱۳	۶-۱. معناداری
۱۴	۷-۱. واقع‌گرایی و صدق
۱۵	۸-۱. گستره مطالعات حوزه معنا
۱۶	۹-۱. سنخ‌شناسی
۱۷	۱۰-۱. هدف این کتاب
۱۷	۱۱-۱. ضرورت
۱۷	۱۲-۱. اهمیت معنا و معناپژوهی
۱۸	۱۳-۱. پرسش‌ها و مسائل
۱۸	۱۴-۱. فرضیه‌های تحقیق
۱۹	۱۵-۱. پیشینه مطالعات زبانی و معنایی
۱۹	دوره معاصر
۲۶	واقع‌گرایی انتقادی

۲۸	۱۶-۱. خلاصه مطالب
۳۱	پرسش و اندیشه
۳۳	فصل دوم: علوم اسلامی، دیرینه مطالعات معنایی
۳۳	مقدمه
۳۵	۱-۲. علوم ادبی و زبان شناسی
۴۱	۱-۱-۲. علوم ادبی و تقسیم کلمه
۴۱	۲-۱-۲. علوم ادبی و مفهوم اشتقاق
۴۲	۲-۲. تفسیر و علوم قرآن
۴۸	۳-۲. تأسیس اصول فقه، کاوش‌های ژرف زبان‌شناختی - معناشناختی
۵۰	۱-۳-۲. علم اصول و عناوین مرتبط به معنا
۵۱	۲-۳-۲. پاره‌ای از آثار علم اصول
۵۹	۳-۳-۲. علم اصول و انواع دلالت
۶۰	۴-۳-۲. علم اصول و تفاوت معنای اسمی و حرفی
۶۱	۴-۲. خلاصه
۶۲	پرسش و اندیشه
۶۳	فصل سوم: زبان شناسی و معناپژوهی
۶۳	مقدمه
۶۳	۱-۳. زبان شناسی و مفهوم آن
۶۵	۲-۳. دلالت‌شناسی در منطق، نشانه‌شناسی نوین
۶۸	۳-۳. زبان شناسی علمی
۶۹	۴-۳. تاریخ زبان شناسی
۶۹	۱-۴-۳. دستور زبان پانینی
۷۰	۲-۴-۳. مسلمانان، تأسیس علوم ادبی و زبان شناسی
۷۱	۱-۲-۴-۳. آواشناسی
۷۲	۲-۲-۴-۳. ساخت‌واژی
۷۳	۳-۲-۴-۳. فقه‌اللغه
۷۳	۴-۲-۴-۳. نحو و اعراب
۷۴	۵-۲-۴-۳. علوم بلاغی
۷۵	۶-۲-۴-۳. معناشناسی
۷۷	۷-۲-۴-۳. تعریف زبان
۷۷	۸-۲-۴-۳. دستور قیاسی استقرائی
۷۸	۹-۲-۴-۳. شرایط بافتی کاربردی
۷۸	۱۰-۲-۴-۳. ساخت و نقش

۷۸ ۵-۳. خلاصه
۷۹ شکل‌گیری سنت زبان‌شناسی ایرانی - اسلامی
۷۹ پرسش و اندیشه
۸۱	فصل چهارم: زبان‌شناسی نوین در غرب
۸۱ مقدمه
۸۱ ۱-۴. تاریخ‌گرایی
۸۲ ۲-۴. ساخت‌گرایی، زبان‌شناسی توصیفی (قرن بیست)
۸۶ ۳-۴. نوساخت‌گرایی، مکتب کپنهاک
۸۷ ۴-۴. نقش‌گرایی پراگ
۸۹ ۵-۴. مکتب لندن
۹۱ ۶-۴. ساخت‌گرایی در آمریکا
۹۳ ۷-۴. نظریه فرهنگی نسبی‌گرایانه (آمریکا و بن)
۹۶ ۸-۴. زبان‌شناسی گشتار زایشی چامسکی
۹۷ مفاهیم اساسی دستور زبان گشتاری
۹۸ توانش زبانی، کنش زبانی
۹۸ ژرف‌ساخت، روساخت
۹۹ گشتارهای دستوری
۱۰۰ دسته‌بندی سازه‌های دستوری
۱۰۰ قاعده‌های سازه‌ای
۱۰۱ نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی
۱۰۲ ۹-۴. زبان‌شناسی شناختی
۱۰۳ تاریخچه
۱۰۴ ویژگی‌ها و اصول
۱۰۶ ۱۰-۴. خلاصه
۱۰۹ پرسش و اندیشه
۱۱۱	فصل پنجم: چیستی معنا، بازخوانی نظریه‌های معنایی
۱۱۱ مقدمه
۱۱۱ ۱-۵. نظریه مصداقی یا مرجعی معنا
۱۱۲ بررسی و نقد
۱۱۳ ۲-۵. نظریه تصویری معنا
۱۱۳ بررسی و نقد
۱۱۴ ۳-۵. نظریه رفتاری معنا
۱۱۴ بررسی و نقد

۱۱۵ نظریه کاربردی معنا	۴-۵
۱۱۷ نظریه کاربردی ویتگنشتاین	
۱۱۸ نقد	
۱۱۸ فعل ضمن گفتاری آستین	۵-۵
۱۱۹ نقد	
۱۲۰ نظریه اثبات‌پذیری	۶-۵
۱۲۰ نظریه شرایط صدقی	۷-۵
۱۲۱ نظریه گزاره‌ای	۸-۵
۱۲۳ نقد کلی بر نگرش‌های تک‌سویه به مسئله چندبُعدی	۹-۵
۱۲۴ خلاصه	۱۰-۵
۱۲۶ پرسش و اندیشه	
۱۲۷ فصل ششم: ماهیت فلسفی معنا	
۱۲۷ مقدمه	
۱۲۷ ۱-۶ دیدگاه‌های اصولیان	
۱۲۸ ۱-۱-۶ موضوع‌له، مفاهیم از حیث حکایت از مصداق‌ها	
۱۳۰ ۲-۱-۶ موضوع‌له یا معنا، طبیعت	
۱۳۱ دلایل اصولیان	
۱۳۳ ۳-۱-۶ موضوع‌له یا معنا، مفهوم	
۱۳۴ ۴-۱-۶ موضوع‌له یا معنا، نفس الامر	
۱۳۵ ۲-۶ معنا، هویت ذاتی و واقعیتهای نفس‌الامری	
۱۳۵ ۱-۲-۶ معنا مسبوق به واقعیات نفس‌الامری	
۱۳۶ نفس‌الامر تصورات و تصدیقات	
۱۳۷ قلمرو معانی	
۱۳۸ انحاء واقعیات و معانی، انواع مفاهیم	
۱۴۶ ۲-۲-۶ تحقق وصف معنا پس از فهم واقعیات	
۱۴۷ ۳-۲-۶ حیثیات فهم انسان و جایگاه معنا	
۱۴۹ ۴-۲-۶ معنی، متصور ذهنی از هویت واقعیات نفس‌الامری	
۱۵۱ خلاصه	۳-۶
۱۵۴ پرسش و اندیشه	
۱۵۵ فصل هفتم: ظرف وجودی معنای زبانی	
۱۵۵ مقدمه	
۱۵۵ ۱-۷ واژه، موطن معنای وضعی	
۱۵۶ ۱-۱-۷ چگونگی و انواع مفهوم‌سازی	

۱۵۸	۲-۱-۷. متصوّر در مفهوم‌سازی زبانی، ذات معنا و ذات لفظ
۱۵۹	۳-۱-۷. لفظ، معنا، واقعیت
۱۶۱	۴-۱-۷. مفهوم زبانی، وضع و هویت وجودی معنا
۱۶۲	۵-۱-۷. عناصر و اجزای لفظ (موضوع)
۱۶۴	۶-۱-۷. نمودهای معنای واژگانی
۱۶۴	معنای آوایی
۱۶۵	معنای قاموسی
۱۶۵	معنای صرفی
۱۶۶	۲-۷. ساختار و ترکیب مفاهیم زبانی
۱۶۶	۱-۲-۷. سازه‌های معنای ترکیبی ساختاری (گروه، جمله)
۱۶۶	الف) گروه
۱۶۷	ب) جمله
۱۶۸	۲-۲-۷. وجوه معنایی جمله
۱۶۹	۳-۲-۷. ماهیت معنای ساختاری - دستوری
۱۷۰	۴-۲-۷. خودکفایی ساختار در تولید معنا
۱۷۱	۵-۲-۷. دلالت زبانی در میان دلالت‌ها
۱۷۲	۶-۲-۷. گستره معنای زبانی
۱۷۳	۱-۶-۲-۷. الگوهای معنای زبانی
۱۷۳	۲-۶-۲-۷. معنای صریح و معنای ضمنی
۱۷۴	۳-۶-۲-۷. زبان، معنای حقیقی و معنای مجازی
۱۷۵	۴-۶-۲-۷. مدل‌های معنای حقیقی
۱۷۷	۵-۶-۲-۷. معناهای مجازی و استعاری
۱۸۰	۳-۷. خلاصه
۱۸۲	پرسش و اندیشه

۱۸۳	فصل هشتم: عناصر فرازبانی، در فرایند تکوین معنا
۱۸۳	مقدمه
۱۸۴	۱-۸. قصد متکلم
۱۸۶	۲-۸. قصدگرایان جدید و معنا
۱۸۸	۳-۸. زمینه‌های تکوین سخن و سیاق کلام
۱۸۹	۱-۳-۸. معنای بافتی سیاقی
۱۸۹	۲-۳-۸. مسلمانان، معنای بافتی سیاقی
۱۹۱	۴-۸. معنا و مخاطب؟
۱۹۳	۵-۸. دیدگاه اندیشمندان مسلمان
۱۹۴	۶-۸. خلاصه
۱۹۶	پرسش و اندیشه

۱۹۷	فصل نهم: معناداری گزاره‌ها و آموزه‌های دینی
۱۹۷	مقدمه
۱۹۷	۱-۹. معناداری
۱۹۸	۱-۱-۹. مفهوم معناداری
۱۹۹	۲-۱-۹. اعتبار وضعی و معناداری الفاظ
۲۰۰	۳-۱-۹. معنا و تعقل
۲۰۱	۴-۱-۹. نظام دستوری زبان و معناداری جمله‌ها
۲۰۲	۵-۱-۹. نظام معنایی زبان و معناداری جمله‌ها
۲۰۳	۶-۱-۹. معناداری گزاره
۲۰۴	۲-۹. معنا و معناداری جمله‌های دینی
۲۰۵	۱-۲-۹. نسبت بی‌معنایی به زبان دین
۲۰۷	۳-۲-۹. نقد معناداری پوزیتیویستی
۲۰۹	۳-۹. مبانی، دلایل و راهکارهای توجیه معناداری زبان دین
۲۰۹	۱-۳-۹. معناداری، امری عقلایی به عنوان فلسفه زبان
۲۰۹	۲-۳-۹. پیام دین در قالب و ساختار زبان
۲۱۱	۳-۳-۹. تحلیل فلسفی زبان شناختی
۲۱۴	۴-۳-۹. اشتراک معنوی مفهوم وجود و اوصاف کمالی آن
۲۱۵	۴-۹. گزاره‌ها و آموزه‌های قرآن و معناداری
۲۱۶	یک؛ گزاره‌ها یا قضایای اخباری
۲۱۷	الف) سنت‌های یک‌سویه
۲۱۷	ب) سنت‌های متقابل و دوسویه
۲۱۸	دو؛ آموزه‌ها و ارزش‌ها یا افعال تشریحی خداوند
۲۱۹	اثرگذاری بر مخاطبان
۲۲۰	۶-۹. خلاصه
۲۲۲	پرسش و اندیشه
۲۲۵	فصل دهم: واقع‌گرایی یا ناواقع‌گرایی گزاره‌های دینی؟
۲۲۵	مقدمه
۲۲۵	۱-۱۰. مفهوم معرفت‌بخشی
۲۲۶	۱-۱-۱۰. واقع‌گرایی معرفتی
۲۲۷	۲-۱-۱۰. معرفت و تصدیق
۲۲۸	۳-۱-۱۰. تفسیر فراطبیعی یا طبیعی جهان؟
۲۲۸	۴-۱-۱۰. ناواقع‌گرایی مقابل واقع‌گرایی
۲۳۰	۲-۱۰. واقع‌گرایی دینی، خام یا نقادانه؟
۲۳۳	۱-۲-۱۰. انتقاد بر روش انتقادی!

۲۳۶	۳-۱۰. واقع‌گرایی امری وجدانی
۲۳۶	۴-۱۰. مراتب و درجات شناخت
۲۳۷	۵-۱۰. سنجه‌پذیری علم، عارضی بودن خطا
۲۳۸	۶-۱۰. حوزه‌الهیات و معرفت
۲۳۹	۷-۱۰. معرفت، سهم عین و نقش ذهن
۲۴۱	۸-۱۰. استکمال‌پذیری معرفت
۲۴۱	۹-۱۰. خلاصه
۲۴۴	پرسش و اندیشه

فصل یازدهم: صدق در انواع گزاره‌ها، با کدام مبنا و معیار؟

۲۴۵	مقدمه
۲۴۶	۱-۱۱. مفهوم و جایگاه صدق
۲۴۷	۲-۱۱. حامل یا موصوف صدق
۲۴۸	۳-۱۱. منطق و روش بررسی گزاره‌ها
۲۵۰	۴-۱۱. پیش‌شرط صدق گزاره‌ها
۲۵۲	۵-۱۱. آرا در معیار صدق گزاره‌ها
۲۵۲	۶-۱۱. مبانی احراز صدق گزاره‌ها
۲۵۳	۱-۶-۱۱. واقع، گسترده‌تر از وجودات عینی متشخص
۲۵۴	۲-۶-۱۱. تفاوت واقع به حسب قضایای گوناگون
۲۵۶	۳-۶-۱۱. علم وجودی مجرد و صادر از نفس مجرد
۲۵۶	۴-۶-۱۱. بدیهیات پایه و مناط علوم حصولی و نظری
۲۵۸	۵-۶-۱۱. ارجاع علم حصولی به علم حضوری
۲۵۹	۶-۶-۱۱. اعتبار بدیهیات اولیه (ارجاع به علم حضوری)
۲۶۰	۷-۱۱. علم حضوری، راهکار تطابق علم با واقع
۲۶۱	۸-۱۱. خلاصه
۲۶۴	پرسش و اندیشه

فصل دوازدهم: گزاره‌های دینی، واقع‌گرایی

۲۶۵	مقدمه
۲۶۵	۱-۱۲. دین، علم
۲۶۷	۲-۱۲. دین، مضمون توصیفی و ارزشی
۲۶۸	۳-۱۲. دین، واقع‌گرایی و معرفت‌بخشی
۲۶۹	۱-۳-۱۲. جنس گزاره‌های دینی فراتجربی و تحقیق‌پذیری آنها
۲۷۰	۲-۳-۱۲. گزاره‌های کیهان‌شناختی، طبیعی و انسانی
۲۷۲	۴-۱۲. مبانی واقع‌گرایی گزاره‌های دینی

۲۷۵ ۵-۱۲. معرفت‌بخشی دعاوی دینی، برخی از دلایل آن
۲۸۰ ۶-۱۲. جهان‌بینی مبرهن، تفسیر واضح جهان
۲۸۱ ۱-۶-۱۲. نفی پندار ابهام دینی
۲۸۲ ۲-۶-۱۲. الگوهای‌های واقع‌گرایی دینی
۲۸۲ الف) واقع‌گرایی قطعی
۲۸۳ ب) واقع‌گرایی جزمی و اطمینان معتبر
۲۸۳ ج) واقع‌گرایی اجمالی
۲۸۴ ۷-۱۲. خلاصه
۲۸۶ پرسش و اندیشه

۲۸۷ فصل سیزدهم: امکان فهم یقینی دین، مناط صدق گزاره‌های دینی
۲۸۷ مقدمه
۲۸۷ ۱-۱۳. معرفت دینی
۲۸۸ ۲-۱۳. یقین، یقین منطقی، یقین عرفی
۲۸۹ ۳-۱۳. تحصیل یقین دینی، چگونه؟
۲۹۱ ۴-۱۳. معیار صدق گزاره‌های دینی
۲۹۲ ۱-۴-۱۳. گزاره‌های اعتقادی
۲۹۳ ۲-۴-۱۳. دیگر گزاره‌های معرفتی
۲۹۴ ۳-۴-۱۳. ارزش‌ها و آموزه‌های رفتاری
۲۹۴ آثار ارزش‌ها و امکان سنجش آموزه‌ها
۲۹۵ فلسفه ارزش‌ها
۲۹۷ ۴-۴-۱۳. جزئیات و تفصیل احکام عبادی، حقوقی، اخلاقی
۲۹۸ ۱-۴-۴-۱۳. کفایت علم متعارف و اتمام حجت
۳۰۰ ۲-۴-۴-۱۳. قطع اصولی، یقین روان‌شناختی
۳۰۱ ۵-۱۳. خلاصه
۳۰۳ پرسش و اندیشه

۳۰۵ منابع و مأخذ
۳۱۵ نمایه‌ها
۳۱۵ نمایه آیات و روایات
۳۱۹ نمایه اعلام
۳۲۵ نمایه موضوعات

سرآغاز

به نام آن که در ما گفتن آموخت به انسان دُرّ معنی سفتن آموخت
معناشناسی و تفسیر متون فلسفی، دینی، و حقوقی، پیوندی عمیق با ماهیت «معنا» دارند.
رمزگشای اسرار این سنخ متون پیچیده آن است که بیشتر معلوم باشد اساساً «معنا» چیست و در
کجاست؟ آیا یک واقعیت معنایی داریم یا معانی متعدّدند؟ در کنار این دو پرسش، مسئله
معناداری و ملاک اثبات آن در عصر علم‌گرایی اهمیت یافت. نسبت «زبان» و «معنا» با «واقعیت»،
زاویه مکمل این پازل است که به دنبال بررسی کردن مسئله حکایت و روش تحقیق واقع و به
دست دادن معیار صدق گزاره‌هاست.

نقطه اتصال این مسائل آنجاست که همه آنها متعلق به حوزه دانش‌های فلسفی زبانی‌اند.
بر مسائل این حوزه در روزگار ما آن‌گونه توجه می‌شود که علوم گوناگونی چون زبان‌شناسی
و فلسفه زبان، هرمنوتیک، نشانه‌شناسی، نقد ادبی، و حتی روان‌شناسی و فلسفه را معطوف
خود ساخته‌اند.

سنخ این پژوهش و مسائل بررسی‌شده در آن، از جنس فلسفه زبان یا زبان‌شناسی فلسفی
است. ۱. چیهستی معنا و نظریه‌های معنایی؛ ۲. تفحص در ظرف ثبوتی (وجودی) معنا (معنا در
کجاست؟ واژه، ساختار، یا متن، در اندیشه متکلم یا ذهن مخاطب؟)؛ ۳. معناداری و ملاک آن
که از زیرشاخه‌های نظریه معناست؛ ۴. و مباحث مربوط به حکایت و صدق که رابطه زبان و
جهان بیرون از زبان را مطالعه می‌کند، جملگی از مسائل حوزه فلسفه زبان و زبان‌شناسی
فلسفی‌اند. به طبع این بخش از معناپژوهی فلسفی منطقی، زیربنای مسائل حوزه معرفت‌شناسی
معناست که شامل معناشناسی زبانی (سمانتیک) و کاربردشناسی فلسفی (پراگماتیک) و نیز
هرمنوتیک است.

هدف

این نوشتار در نظر دارد زوایای گوناگون مسئله معنا، واقعیت و معرفت را با نظر به گزاره‌ها و متون دینی بررسی کند. بدین‌روی، ایضاح امور ذیل را می‌توان هدف این پژوهش در نظر داشت: یک؛ بررسی مسئله معنا و تلاش در به دست دادن دیدگاهی موجّه در ماهیت همه‌جانبه آن؛ دو؛ تبیین موطن معنا و ظرف وجودی آن و اثبات هستی معنا در نشانه‌های زبانی و بستریهای فرازبانی؛

سه؛ تبیین سازوکار معناداری جملات و گزاره‌های متافیزیکی و دینی و به‌ویژه عبارت‌های قرآن کریم، به مثابه متن و حیانی پروردگار متعال؛ چهار؛ تبیین واقع‌گرایی و روش تحقیق در گزاره‌های متافیزیکی دینی و ارزیابی چالش‌های ناظر به حوزه معرفت‌بخشی این سنخ گزاره‌ها؛ پنج؛ بررسی چگونگی تحصیل یقین در گزاره‌های دینی و مناط صدق این نوع گزاره‌ها.

ضرورت

اهمیت مطالعات زبانی و معناپژوهی به خود «معنا» بازمی‌گردد؛ زیرا هیچ زبانی نمی‌تواند بدون «معنا» وجود خارجی داشته باشد. امروزه دیدگاه‌های مختلفی در تعریف «معنا» وجود دارند. بی‌شک‌گزینش هر یک از این نظریه‌ها می‌تواند جهت‌بخش معرفت دینی و ترسیم‌کننده روش دستیابی به معنای متون دینی باشد. همچنان که شیوه‌های گوناگون تفسیری نحله‌های مختلف نیز صرف‌نظر از گرایش‌های فرقه‌ای و ویژگی‌های شخصی و توانمندی‌های فردی، به دیدگاه مبنایی آنان نسبت به معنای قرآن، ارتباط می‌یابد. از این‌رو، مطالعه و راهبرد صحیح ماهیت معنا، و ظرف وجودی آن، واقعیت مورد نظر در گزاره‌های دینی و طریق اثبات و مناط صدق آنها، از جمله مسائل مبنایی هستند که تأثیری چشمگیر در زیرساخت معرفت دینی و اندیشه اسلامی و معناشناسی متون دینی کتاب و سنت بر جای می‌نهند.

نوآوری‌ها

شاید این نکاتِ مطمح نظر نگارنده، درخور توجه پژوهشگران باشد:

۱. رویکرد اقلیم‌شناختی به جغرافیای مسائل گوناگون حوزه معنا، و استخراج و تفکیک مسائل این عرصه علمی میان‌رشته‌ای که امروز نقشی بسزا در معرفت دینی دارند؛

۲. رویکرد ایجابی به مسائل قلمرو معنا، واقعیت و معرفت، در پیوند با گزاره‌های دینی و طرح‌انگاره‌های بدیل در مقابل نظریه‌های رقیب؛

۳. نگرش تطبیقی در مسائل حوزه پژوهش با طرح و بررسی رهیافت‌های علمی، فلسفی و زبان‌شناختی دنیای معاصر از یک‌سو، و بهره‌گیری از میراث علمی، فلسفی (عقلی)، اصولی (عقلایی) و اتکا بر مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی توحیدی اندیشمندان مسلمان از سوی دیگر در تحلیل مسائل و ابداع رأی.

در پایان خدای متعال را بی‌نهایت سپاس که این ناتوان را توفیق عنایت فرمود تا همنشین علم و اندیشه باشم، از خرمن دانش فرزندگان عالم خوشه بگیرم و هرچند کوچک، در مسیر فهم و خردورزی گامی بردارم. نیز از گروه قرآن‌پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که زمینه انجام این پژوهش را فراهم آورد و همه کسانی که در انجام این دفتر مرا یاری رسانده‌اند قدردانی می‌کنم. و فرهیختگان ارجمند جناب حجت‌الاسلام آقای دکتر واعظی و جناب حجت‌الاسلام آقای دکتر شریفی را، تقدیر ویژه می‌دارم به پاس نکته‌سنجی‌های ارزشمندی که منت نهادند. الحمد کله لله.

محمدباقر سعیدی‌روشن

شهر مقدس قم

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دی‌ماه ۱۳۹۶ش

فصل اول

مبادی و قلمرو حوزه پژوهش

این فصل پیش‌زمینه و چشم‌اندازی است نسبت به مسائل حوزه معنی‌پژوهی و عناصر مرتبط. مفهوم معنا و ساحت‌های آن، معناداری، واقع، صدق، و ضرورت پژوهش و پیشینه آن.

۱-۱. مسئله معنا

تفسیر، تأویل و معناشناسی متون، به‌ویژه متون دینی، با مسئله «معنا» سروکار دارد. این پرسش کلید گشایش بسیاری از گره‌هاست که: اساساً معنا چیست؟ آیا یک واقعیت معنایی داریم یا معانی، متعددند؟ از سوی دیگر، این پرسش خودنمایی می‌کند که: معناداری چیست و ملاک آن کدام است؟ چرا برخی جمله‌ها معنا ندارند؟ نسبت «زبان»، «معنا» و «واقعیت» چیست؟ آیا همه جمله‌های زبان، ارجاع (حاکمی) به واقع دارند یا نه؟ روش تحقیق واقع و نیز ملاک صدق آن چیست؟ نقطه پیوند این مسائل آن است که همه این پرسش‌ها به حوزه دانش‌های فلسفی زبانی تعلق دارند. بر مسائل این حوزه در روزگار ما آن‌گونه توجه می‌شود که علوم گوناگونی چون زبان‌شناسی^۱ و فلسفه زبان،^۲ هرمنوتیک،^۳ نشانه‌شناسی،^۴ نقد ادبی،^۵ و حتی روان‌شناسی و فلسفه را معطوف خود ساخته‌اند و هر یک از این دانش‌ها به‌نوعی با آن سروکار داشته و به بررسی آن می‌پردازند.

۱. زبان‌شناسی (linguistics) علمی است که به مطالعه و بررسی روشمند زبان می‌پردازد.

۲. فلسفه زبان (philosophy of language) در واقع تلاشی است برای روشن کردن مفاهیمی اساسی که به هنگام تفکر درباره زبان انجام می‌دهیم (آلستون، ۱۳۸۱، ص ۱۵).

۳. مطالعه قواعد صحیح تفسیر متن را هرمنوتیک (hermeneutics) می‌گویند.

۴. نشانه‌شناسی (semiology-semeiotics) علمی است که به بررسی انواع نشانه‌ها، عوامل حاضر در فرایند تولید و مبادله و تعبیر آنها، و نیز قواعد حاکم بر نشانه‌ها می‌پردازد.

۵. نقد ادبی (literary criticism) به معنای مطالعه، بحث، ارزیابی و تفسیر محصولات ادبی است.

چنان که پیداست «معنا»، به عنوان هویتی زبانی، زوایای گوناگون و ابعاد متنوعی دارد. نحوشناسی،^۱ معناشناسی^۲ و کاربردشناسی^۳ مهم‌ترین گرایش‌های زبان‌شناسی‌اند. در همه گرایش‌های یادشده مسئله «معنا» به گونه‌ای خاص حضور دارد. معناپژوهی زبانی، امروز تنها بخشی از مسائل حوزه معنا را پوشش می‌دهد، معناشناسی فلسفی^۴ پاره‌ای دیگر از مسائل مربوط به معنا را، همچنان که معناشناسی منطقی^۵ برخی دیگر از آن را پوشش می‌دهد. اما پیش از ورود به معناشناسی زبانی، سه مقوله «چیستی معنا»، «معناداری» و «واقع‌گرایی یا صدق»، نوعی تقدم علمی دارند. این سه بحث، اضلاع به هم پیوسته‌ای را نمودار می‌سازند که امروز در مواجهه با متون علمی، فلسفی، حقوقی، و دینی اهمیتی اساسی یافته‌اند.

در مسئله «چیستی معنا» گاه زاویه دید ما معطوف به منشأ پیدایش معنا در ذهن و اندیشه انسان است، گاه نظر ما معطوف به چیستی و جنس وجودی «معنا» در برابر لفظ و در برابر مصداق است. ماهیت فلسفی معنا و ماهیت زبان‌شناختی معنا بر این زاویه تأمل دارد. این حیث البته زوایای دیگری نیز دارد که در مباحث کتاب منظور می‌شوند.

فارغ از ماهیت معنا، از دیگرسو، مسئله «معناداری» و چگونگی معنا در تعبیرهای مختلف و به‌ویژه متون فلسفی، حقوقی و دینی، به‌ویژه پس از غلبه تجربه‌گرایی^۶ موضوعی درخور اهمیت به شمار آمده و به عنوان یکی از جدی‌ترین مسائل فکری مطرح شده است. این مطلب آن‌گونه بااهمیت است که پیش از بررسی مسئله «صدق» و مطابقت یا عدم مطابقت یک گزاره با واقع، ابتدا باید خود قضیه ارزیابی شود، تا ببینیم اساساً آن گزاره معنادار هست، یا بی‌معناست؟ اگر فاقد معناست، در اصل، شأنیت اتصاف به صدق و کذب را نداشته، نوبت به بررسی صدق

۱. نحوشناسی یا جمله‌شناسی، به دانش مطالعه قواعد مربوط به نحوه ترکیب و در کنار هم آمدن واژه‌ها به منظور ایجاد و درک جملات در یک زبان اطلاق می‌شود.

۲. معناشناسی (semantics) بررسی ارتباط میان واژه و معنا را می‌گویند. این علم معمولاً بر روی رابطه میان دلالت‌کننده‌ها مانند لغات، عبارت‌ها، علائم و نشانه‌ها و اینکه معانی‌شان برای چه استفاده می‌شود، تمرکز دارد.

۳. کاربردشناسی (pragmatics) یکی از حوزه‌های زبان‌شناسی است که به بحث درباره تأثیر بافت بر معنا می‌پردازد.

۴. معناشناسی فلسفی (philosophical semantics) به مطالعه انتزاعی معنا مربوط به زبان و نظام‌های منطقی نمادین اطلاق می‌شود (Judiths, 1983, p.761؛ به نقل از: نقوی، ۱۳۸۵، مجله علمی پژوهشی ذهن، دوره ۷، ش ۲۸).

۵. معناشناسی منطقی (logical semantics) مجموعه‌ای از نظریه‌های معنایی است که به تحلیل معنا از طریق منطق می‌پردازد.

۶. تجربه‌گرایی (empiricism) یکی از گرایش‌های اصلی در شناخت‌شناسی و نقطه مقابل عقل‌گرایی است. براساس این دیدگاه همه معرفت‌های بشری مستقیم یا غیر مستقیم برآمده از تجربه است.

و کذب آن نمی‌رسد. براساس این نگرش، بسیاری از قضایای فلسفی، کلامی، دینی در معرض چالش و تردید افکنده شد (آیر، ۱۳۶۵، ص ۳۹؛ خرماهی، ۱۳۶۱، ص ۸۳؛ سعیدی‌روشن، ۱۳۹۱، ص ۵۱-۵۸). از سوی دیگر، در دوره پست‌مدرن^۱ گرایش شالوده‌شکنی، با انکار معنا، لفظ را تنها دال به لفظ دیگر و ارجاع نشانه به نشانه دیگر دانست و ارجاع لفظ به معنا را نادیده انگاشت (Derrida, 1977, chapter 2, p.27-73). به هر روی، کندوکاو در مفهوم و ماهیت معنا و نیز ملاک معناداری قضایا، به ویژه قضایای گوناگون دینی نیز خود موضوعی اساسی قلمداد می‌شوند. در مسئله معنا، گاه زاویه نگرش ما متوجه عملکرد ذهن در درک معنا و مقوله‌بندی، مفهوم‌سازی و تعبیر زبانی و رابطه زبان با جهان بیرون از زبان است. در اینجا پرسش آن است که: زبان چگونه امکان ارتباط میان انسان‌ها درباره جهان واقعیت‌ها و رویدادهای آن را فراهم می‌سازد؟ بار دلالتی خود را از کجا به دست می‌آورد؟ و چگونه چیزی [یعنی نشانه‌ای] به چیزی دیگر [به مفهوم عام کلمه، حتی شامل احساس، عواطف، خیال و مانند آن] دلالت می‌کند؟ و مخاطب چگونه متوجه واقعیت دلالت می‌شود؟

معناشناسی زبانی و جستجو در معنای نشانه‌های زبانی، اعم از واژگان یا جمله‌ها، عبارت‌ها یا گزاره‌ها و نیز معنای متن و بازخوانی دیدگاه‌ها در این قلمرو گام آخر و مکمل در معناپژوهی است. این کتاب در نظر دارد زوایای گوناگون مسئله معنا، واقعیت و معرفت را بررسی کند. گام نخست این پژوهش، بازخوانی ماهیت معنا، سنجه معناداری، پیوند میان معنا، زبان و واقعیت، ماهیت معرفت گزاره‌های متافیزیکی و دینی الهیاتی و مناط صدق آنهاست و گام دیگر، تحلیل معناشناسی و بازخوانی نظریه‌های معناشناسی معاصر و مقارنه و تطبیق آنها با نظریه معناشناسی اندیشمندان مسلمان خواهد بود.

۲-۱. واژه معنا

مفهوم لغوی واژه «معنا» در زبان عربی، خواه از ریشه عنی باشد یا عنو، آنگاه که برگفتار و سخن نسبت داده شود، معادل مفهوم و مدلول (اعم از قصدشده یا قصدنشده) یا مقصود و مراد است.

۱. پسانوگرایی یا پست‌مدرنیسم (postmodernism) به سیر تحولات گسترده‌ای در نگرش انتقادی، فلسفه، معماری، هنر، ادبیات و فرهنگ می‌گویند که از بطن نوگرایی (مدرنیسم) و در واکنش به آن، یا به عنوان جانشین آن پدید آمد. پست‌مدرنیته مفهومی تاریخی - جامعه‌شناختی است که به دوران تاریخی پس از مدرنیته اطلاق می‌شود (Barker, 2004).

«وَعَنْتَ الْأَرْضُ بِالنَّبَاتِ تَعْنِي: أَظْهَرْتُهُ، أَوْ ظَهَرَ فِيهَا النَّبَاتُ؛ وَهَذِهِ اللَّغَةُ ذَكَرَهَا الْجَوْهَرِيُّ عَنِ الْكِسَائِيِّ... وَعَنِي بِالْقَوْلِ كَذَا يَعْنِي: أَرَادَ وَقَصَدَ؛ قَالَ الزَّمَخْشَرِيُّ: وَمِنْهُ الْمَعْنَى...» (زیبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۷۱۱) «المعنى لغة المقصود، سواء قصد أم لا، فهو إما مصدرٌ بِمَعْنَى الْمَفْعُولِ أَوْ مُخَفَّفٌ معنی، اسم مفعول کمرمی...» (تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۱۶۰۰). پس واژه معنا در زبان عربی از ماده عنی، قصد را افاده می‌کند. و از نظر هیئت یا مصدر میمی بر وزن «مَفْعَلٌ» است که معنای مفعولی دارد، یا اسم مفعول است.

واژه «معنا» در اصطلاحی دیگر در زبان فارسی معادل هدف و غایت به کار برده می‌شود. در این معناست که برای مثال، از معنا و هدف زندگی سخن می‌رود، یا از معنای فعلی و کُنشی پرسش می‌شود.

اما چنان که پیداست شرح لغوی واژه «معنا» گره‌گشای مسئله پیچیده «معنا» که امروز، علوم گوناگونی چون زبان‌شناسی، منطق، فلسفه، اصول فقه و جز آنها را به خود معطوف ساخته، نمی‌شود. از این رو، این مسئله نیازمند تأمل بیشتر در زوایای متعدد آن است.

۳-۱. ساحت‌های گوناگون معنا

وقتی سخن از معنا در میان است، ما با یک حقیقت پیچیده، و چندساحتی روبه‌رو هستیم، نه ماهیتی بسیط و تک‌ساحتی. از این رو، نمی‌توان بدون در نظرگیری جنبه‌های مختلف آن به یک تصویر روشن دست یافت.

یک؛ معنا پیش از تکوین و شکل‌گیری، مسبوق به واقعیاتی است که منشأ پرورش آن در اندیشه و ذهن انسان هستند. ما از آن واقعیات، به نام «واقعیات نفس‌الامری» یاد می‌کنیم. مراد از واقعیات نفس‌الامری، واقعیت هر چیز به اقتضای خود آن چیز است و نه صرفاً واقعیت به معنای عینیت فیزیکی محض. رابطه معنا با مصداق و تعریف مصداق و دامنه آن در اینجا مطرح می‌شود (منشأ معنا).

دو؛ معنا در مقام ذهن و تکوین در اندیشه انسان یک ساحت وجودی همانند دیگر پدیده‌های هستی، وجود خاص و متشخص خود را دارد و یک حیثیت عنوانی و مفهوم مرآتی که همه مصداق‌های خود را از هر سنخ که باشند، دربر می‌گیرد. این متصور ذهنی (البته نه مقید به ذهنی بودن) دارای هویتی انتزاعی است و در ذات خود مستقل از وجود ذهنی و خارجی (لابشرط) و از سنخ مفهوم است. برای مثال، معنای «وجود»/ هستی داشتن، همان درک، مفهوم و

متصور ذهنی است که شامل همه مراتب و مصداق‌های وجود از خرد و کلان، مادی و مجرد و جز آنها می‌شود. معنا و مفهوم «علم»/ دانستن، همان مفهوم متصور از «علم بما هو علم» است که مصداق‌ها و گونه‌های علم‌های حصولی و حضوری، تصویری و تصدیقی، علم اکتسابی انسان و علم ذاتی خدای متعال و جز آنها را دربر می‌گیرد. معنای پرنده، یعنی آن ذات و طبیعتی که همه پرنده‌ها در آن طبیعت و ذات اشتراک دارند نه پرنده موجود در ذهن، که آن محدود به ذهن صاحب ذهن است و نه مصداق پرنده‌های موجود، که در این صورت پرنده‌های معدوم را دربر نمی‌گیرد، در حالی که معنای پرنده بما هو پرنده، فارغ از ذهنی بودن و خارجی بودن، همان طبیعت و ذات معنای پرنده است. همچنین معنای مفاهیم انتزاعی، چون «رحمت» و «سعادت» و جز آنها (ماهیت فلسفی معنا). می‌توان این دو ساحت از معنا را «معنای پیشینی» نام نهاد.

سه؛ مرحله سوم یا ساحت سوم در هویت معنا، معنا در ساحت تقرُّر زبانی و مفهوم‌سازی زبانی است. معنای زبانی در مقام ثبوت ناظر به این مرتبه از فرایند معناست. ساخت نشانه‌های زبانی، یا به اصطلاح زبان‌شناسان و اصولیان مسلمان، «وضع»، ناظر به این مرتبه از معناست. معنای واژگانی یا لغوی و انفرادی این مرتبه از معناست. البته واضح است که نشانه‌های زبانی بسی فراتر از واژه‌هایند. به هر روی، نقطه شروع معناشناسی زبانی همین مرحله است (ماهیت زبانی معنا).

چهار؛ معنا در مرتبه کاربست نشانه‌های زبانی و ایجاد الگوهای صوری زبان، مرتبه اساسی دیگری از فرایند معناست. این مرتبه خود، دو جنبه متمایز و در عین حال به هم پیوسته دارد: یک جنبه ترکیب نشانه‌های زبانی و پیدایش ساختار کلام است. ساختار کلام با جمله محقق می‌شود. در اینجا نقش و کارکرد کلام و ساختارهای متنوع جمله‌ها و سخن در حمل معنا و دلالت ساختار کلام بر معنا، و ماهیت دلالت و دامنه و انحاء دلالت‌های مستقیم و نامستقیم در میان می‌آید. معناشناسی یا سمانتیک، بیش از پیش ناظر به این نقطه از معناست (ماهیت ساختاری معنا).

پنج؛ بُعد دیگری که در مرحله ساخت کلام از معنا قابل بررسی جدی است، نقش متکلم، دانش، موقعیت و اراده او در چگونگی انتقال معنا و کاری است که قصد انجام آن را از طریق عبارت‌های کلامی دارد. تحلیل دلالت تصدیقی در زبان‌شناسی و اصول فقه اسلامی و کاربردشناسی در دوره جدید، معطوف به این جنبه از معناست (ماهیت کاربردی معنا).

شش؛ سرانجام، محوری دیگر در هویت معنا درخور پژوهش است و آن ربط و نسبت مخاطب سخن با معناست. معنا در ذهن مخاطب، در تفسیر باطنیان سنتی، نقد ادبی و هرمنوتیک

فلسفی معاصر به صورت‌های گوناگون و رویکردهای مختلف و انگیزه‌های متفاوت مطالعه می‌شود. می‌توان این چهار ساحت از قلمروهای معنا را معنای پسینی نام نهاد (ماهیت هرمنوتیکی معنا).

به تعبیری مختصر می‌توان گفت: معنا، به عنوان هویتی متمایز از لفظ و مصداق، همان مفهوم و طبیعت بی‌قید واقعیت‌هاست که در مواجهه با نشانه‌زبانی و الفاظ مستعمل در یک جامعه زبانی بر ذهن می‌نشیند و مُشیر به انواع حقایق نفس‌الامری، اعم از وجودات عینی یا ذهنی و حتی متصورات و موهومات و اعدام نیز هست. بر همین اساس، در جامعه‌زبانی فارسی، واژه‌های شانس و سیمرخ و مانند آنها نیز معنا دارند؛ هرچند ممکن است مصداق خارجی نداشته باشند. پس معنا متمایز از مصداق است، همان‌گونه که حقیقتی سواى لفظ بوده و لفظ دال بر آن است. معنای انسان، دریا، پرنده و جز آن، یا واژه‌های مربوط به واقعیت‌های انتزاعی، مانند محبت و نفرت و...، همان ذات و طبیعتی هستند که این الفاظ دال بر آنهاست و مصداق‌های هر یک از آنها حقیقت دیگری است که معنا دال بر آن مصداق است. معنای واژه «رحمت خدا»، یعنی احسان خدا بر آفریدگان و رفع نیاز آنها و ایجاد زمینه‌فعلیت یافتن استعدادهاى موجودات در سوئۀ خیر و صلاح، اما مصداق‌ها و نمودهای عینی آن می‌تواند بی‌شماره باشد.

۱-۴. مفهوم و معنا

آیا معنا و مفهوم، یک چیزند یا دو چیز متفاوت؟ واژه مفهوم اسم مفعول از فهم، در لغت به معنای فهم‌شده و درک شده است، اما این واژه در علوم گوناگون به معنای متفاوتی کاربرد یافته است. الف) مفهوم، در اصطلاح علوم ادبی و زبانی به آن چیزی (معنایی) گفته می‌شود که از لفظ یا گفتار فهم شده است. در واقع، به اعتبار فهم فهمنده، به آن حقیقت درک شده، مفهوم گویند. براساس همین اصطلاح، مفهوم^۱ در معناشناسی معادل با معنا و مقابل مصداق^۲ قرار دارد و مراد آن چیزی است که در نظام زبان، واژه در تقابل با واژه‌های دیگر بر آن دلالت دارد. براساس این اصطلاح، مفهوم واژه «سنگ» همان معنای آن واژه است که در تقابل با معنای واژه‌های میوه، آب، صندلی... قرار دارد.

ب) اما مفهوم، در اصطلاح منطق و فلسفه، به حیثیت ذهنی معنا در مقابل ماهیت، اطلاق می‌شود. بر همین اساس، گاه مفهوم ماهیت نیز هست، مانند مفهوم انسان؛ ولی گاهی مفهوم،

1. sense

2. reference

ماهیت نیست، مانند «وجود» که مفهوم دارد، ولی ماهیت ندارد. مفهوم در مقابل ماهیت به کار می‌رود؛ زیرا معنایی است که گرچه در خارج محکی و مصداق دارد، ولی فاقد فرد خاص به نام مفهوم است. بنابراین، مفهوم فقط ذهنی و مصداق آن خارجی است در صورتی که ماهیت اگرچه خود مصداق خاصی ندارد، ولی به همراه مصداق خود در ذهن و عین هست» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۹).

ج) و در اصطلاحی سوم در علم اصول فقه، مفهوم در مقابل منطوق است. نزد اصولیان مفهوم در مقابل منطوق است و براساس این اصطلاح، مفهوم آن معنایی است که لفظ بر آن دلالت نمی‌کند. بنابراین، اصطلاح معنای مفهومی نیز به موافق و مخالف تقسیم شده است؛ زیرا آن معنا از حیث نفی و اثبات، یا موافق معنای منطوقی و لفظی است، یا مخالف آن؛ در صورت نخست، به آن مفهوم موافق و در صورت دوم، به آن مفهوم مخالف گویند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۶).

تفاوت‌های معنا و مفهوم

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان تفاوت‌های معنا و مفهوم را این‌گونه ملاحظه داشت:

یک، معنا در ارتباط میان لفظ و مسمای لفظ طرح می‌شود، اما مفهوم در ارتباط میان صورت ذهنی و مصداق تحقق می‌یابد. بنابراین، مفهوم یعنی همان معنایی که در ذهن تصور شده است (وجود ذهنی و کلی)، اگرچه معنا و مدلول لفظ نباشد. به سخن دیگر، مفهوم، وجودِ ذهنی شیء است، در برابر مصداق، که وجودِ خارجی آن است.

دو، از سوی دیگر، کلمات بسیاری در زبان وجود دارند که واجد معنا هستند، اما از آنها مفهوم به معنای صورت ذهنی نداریم، مانند واژه عدم، مُحال، نقیضان، شانس، و... .

سه، معنا یک امر قراردادی است، ولی مفهوم تابع قرارداد نیست. از همین‌رو، معنا از زبانی به زبان دیگر متفاوت می‌شود، اما مفهوم چنین نیست.

نسبت معنا و مفهوم

فارغ از تفاوت‌هایی که حیطة قلمرو معنا را از مفهوم متمایز می‌سازد، این نکته درخور دقت است که معنا به عنوان یک پدیده خارجی که عارضِ ذهن می‌شود، و «در ظرف ادراک و تصور انسان قرار می‌گیرد...» (جوادی آملی: ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۹)، به لحاظ وجودی همان «مفهوم» است و تطابق مصداقی با آن دارد. بنابراین، تفاوت معنا و مفهوم از نظر وجودشناختی یک تفاوت لحاظی و عقلی

است. وقتی که یک متصور ذهنی را معنا می‌نامیم، به حیثیت وجودی ذهنی آن توجه نداریم، اما هنگامی که آن را مفهوم می‌نامیم به حیثیت وجود ذهنی و مرآتیی آن نظر داریم. به اعتبار لحاظ همین حیثیات، زبیدی فرهنگ‌نویس مسلمان، از گفته مناوی گزارش می‌کند: معانی در واقع صورت‌های ذهنی‌اند که الفاظ در برابر آنها وضع می‌شوند. و به اعتبار اینکه آن صورت ذهنی از لفظ قصد می‌شود، به آن معنا گویند، و از جهت اینکه به وسیله لفظ نزد عقل حاصل می‌شود، به آن مفهوم می‌گویند و از حیث اینکه مقوله‌ای است که در جواب «ما هو» واقع می‌شود، به آن ماهیت گویند و از جهت اینکه در خارج تحقق می‌یابد، به آن حقیقت گویند و از جهت اینکه وجود تصویری و ماهوی دارد و از اعیان خارجی متمایز است، به آن هویت گویند (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۷۱۱).

این پرسش نیز جای بررسی دارد که: آیا می‌شود گفت معنا اختصاص به سخن و متن دارد و به مدلولی اطلاق می‌شود که لفظ برای آن وضع شده، یا به مجاز و همراه با قرینه در آن استعمال می‌شود؟. به نظر می‌رسد بحث معنا آنجا مطرح می‌شود که یک متصور ذهنی از حقایق نفس‌الامری برای انسان پدید آید و برای بیان و تفهیم آن حقیقت، نشانه‌ی زبانی را علامت قرار دهد، اما واقعیات نفس‌الامری که در ظرف فاهمه انسان نشستند، همانند اوصاف مکنون و اسم مستأثر الهی، و نیز واقعیات نفس‌الامری مُدرک در نفس انسان، پیش از آنکه نشانه‌ای زبانی برای آنها وضع و اعتبار شود، مبدأ معنا هستند، اما اطلاق معنا بر آنها، آن‌گونه که برخی محققان محترم فرموده‌اند، دشوار و نیازمند تأمل است.

۱-۵. مدلول و معنا

واژه مدلول، از دل/ نشان دادن، کشف مدلول، از وجود دالّ به معنای «دلالت‌شده» (تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۷۸۷)، آنچه که دال بر آن دلالت می‌کند، مانند دلالت تب بر وجود بیماری در بدن، و دلالت علائم راهنمایی و رانندگی بر جهت‌دهی خاص به رانندگان، و دلالت الفاظ بر معنای گرفته شده است. در اصطلاح علوم زبانی و اصول فقه و معناشناسی، مدلول همان مفهوم و معنای لفظ است و به اعتبار اینکه لفظ بر آن (معنا) دلالت می‌کند مدلول (همان، ص ۷۹۰) و از این نظر که گوینده آن را قصد کرده است، معنا نامیده می‌شود (همان، ج ۲، ص ۱۶۰؛ عسکری، ۱۴۱۲، ص ۵۰۵)؛ اما اگر مدلول را خاص معنای لفظی و سیاقی گرفتیم، یعنی چیزی که دال و نشانه لفظی یا سیاقی بر آن دلالت کرده است، در این صورت، دایره مدلول، محدودتر از دایره معناست؛ چه اینکه معنا ممکن است رهاورد قرینه عقلی باشد.

مدلول در اصطلاح علم منطق و نشانه‌شناسی، قلمروی گسترده‌تر دارد. در دانش منطق سنتی و همچنین نشانه‌شناسی نوین، دال یا نشانه، بر اقسام گوناگونی چون دال عقلی، طبعی و وضعی تقسیم می‌شود و دال وضعی یا قراردادی نیز دارای اقسامی است که نشانه‌های زبانی و الفاظ از جمله آنهایند (مظفر، ۱۳۸۸، ص ۳۶). همچنان که با نگرشی دیگر، دلالت لفظی یا دلالت مرتبط با لفظ، خود بر سه گونه مطابقی، تضمینی و التزامی تقسیم می‌شود. به همین روی، با توجه به این ریزبینی‌ها، مدلول نیز به بر گونه‌های متعدد خواهد بود.

برخی فیلسوفان جدید، نظیر گوتلب فرگه،^۱ «مدلول را به گونه‌ای به دلالت ارجاعی منحصر دانسته و در تفاوت آن با مفهوم و معنا گفته‌اند، مدلول یک نشانه یا نام شیء است که آن عبارت یا نام بر آن شیء دلالت می‌کند برای مثال، مدلول "ستاره صبح" همان وجود خارجی ستاره است. در حالی که مفهوم هر نام، سهم آن در افاده معناست؛ ممکن است مدلول ستاره صبح و ستاره شب، یک شیء، یعنی همان ستاره زهره باشد، اما مفهوم آنها متفاوت است و نیز ممکن است گفته‌ای دارای یکی از آن دو باشد یعنی مفهوم داشته باشد ولی مدلول نداشته باشد. نظیر مثال معروف "پادشاه کنونی فرانسه تاس است"؛ در حالی که فرانسه پادشاه ندارد تا تاس باشد. این کلام مفهوم دارد، ولی مدلول ندارد» (فرگه، ۱۳۶۷، ص ۲۶۹). به هر روی، اگر مطابق این اصطلاح، مدلول را به معنای مرجع و مصداق دانستیم، در این صورت اصطلاح مدلول متفاوت از اصطلاح معنا خواهد بود، اما صحت این دیدگاه با تردید مواجه است. مدلول در منطق و نشانه‌شناسی فراگیرتر از معنا است و شامل هر نوع نشانه‌ای می‌شود، در حالی که معنا به نشانه‌های زبانی اختصاص می‌یابد؛ اما در زبان‌شناسی و معناشناسی، مدلول^۲ و معنا^۳ مترادف‌اند و هر دو بر متصور ذهنی از الفاظ اشاره دارند. جز اینکه این پرسش نیازمند بررسی است که: آیا معانی استلزامی و دلالت‌های نامستقیم کلامی، مدلول زبانی شمرده می‌شوند یا مدلول غیر زبانی؟

۱-۶. معناداری

معناداری چیست؟ معناداری چگونه است؟ چرا برخی جمله‌ها معنا ندارند؟ ملاک معناداری چیست؟ «معناداری» از زیرشاخه‌های نظریه معنا و از مباحث حوزه فلسفه زبان است. معناداری سخن یا گفتار، برقراری رابطه ذهنی مخاطب با معنا و مفهوم مرتبط با آن گفته است.

۱. Friedrich Ludwig Gottlob Frege (1848-1925) ریاضی‌دان، منطق‌دان، و فیلسوف برجسته آلمانی.

2. signification

3. idea, meaning, sense

ملاک معنا داشتن «واژه»، وضع و کاربرد، نشانه چیزی بودن یا مدلول داشتن در یک جامعه یا عرف زبانی خاص است. معیار معنا داشتن در سطح «جمله» همگرایی معنایی عناصر آن جمله و برقراری رابطه ذهنی با مخاطب است. به دیگر سخن، می‌توان گفت معنا همان چیدمان جریان هوشمندانه و جهت‌دار کلام است که مفهومی را به ذهن مخاطب منتقل می‌کند، نه فرار گرفتن بی‌هدف و بی‌نقش نشانه‌های زبانی کنار هم. معناداری، مقابل معناداری فاقد ویژگی یادشده است و ذهن مخاطب را با مفهوم خاصی مرتبط نمی‌سازد. سخن برخی قائلان معناداری، کلام، مانند شالوده‌شکنان و هرمنوتیست‌های فلسفی، مطلق و شامل هر کلامی است؛ اما ادعای برخی دیگر از آنها چون پوزیتیویست‌ها، در خصوص متون متافیزیکی، اخلاقی و دینی است. نقطه اتکای ادعای این دو گروه یکسان نیست. از گفته‌های دو گروه نخست چنین برداشت می‌شود که انکار ایشان ناظر به معنای زبانی یا منتهی به آن است، ولی کالبدشکافی ادعای پوزیتیویست‌ها در نفی معناداری پاره‌ای از گفته‌ها، آشکار می‌سازد که دغدغه اصلی تجربه‌گرایان، «اثبات» واقع و محکی جمله‌های متافیزیکی است و نه معنا.

۱-۷. واقع‌گرایی و صدق

معناداری به روابط ذهنی گزاره‌ها مربوط است. اگر گزاره‌ای باعث پیدایش یک معنا در ذهن خواننده یا شنونده شد، آن گزاره معنادار است. وقتی یک رمان یا داستان تخیلی را مطالعه می‌کنیم، جمله‌ها و پاراگراف‌های آن ذهن ما را به سوی مضمون‌هایی منتقل می‌سازد، ولی آن مضمون‌ها واقعیت خارجی ندارند. اما معرفت‌بخشی و تحقیق‌پذیری به روش اثبات صدق گزاره و رابطه قضیه، با خارج مربوط است.

در حوزه مطالعات معنا، مباحث مربوط به حکایت یا ارجاع، خودبخشی قابل اعتنا در معناشناسی فلسفی یا زبان‌شناسی فلسفی‌اند. این بخش گاه در ناحیه مفردات مطرح می‌شود که: نام خاص یا عام چیست؟ و آیا هم مفهوم و هم حکایت دارد، یا فقط حکایت دارد؟ گاه در ناحیه جملات اخباری و گزاره‌ها مطرح می‌شود که: ماهیت صدق چیست؟ در اینجا نظریه‌های گوناگونی، مانند نظریه مطابقت، انسجام، نظریه کارکردی و جز آن مطرح شده‌اند. گاه نیز بحث درباره ذات دلالت مطرح می‌شود و از تفاوت مدلول یا محکی یا مرجع و معنا یا مفهوم، پرسش می‌شود. در فصل‌هایی از این پژوهش تلاش می‌شود تا پاره‌ای از زوایای بحث مربوط به واقع و روش تحقیق انواع واقع، و معیار صدق گزاره‌ها، به‌ویژه در حوزه مسائل متافیزیکی و گزاره‌های دینی مطالعه و بررسی شوند.

۸-۱. گستره مطالعات حوزه معنا

در یک نگاه کلی می‌توان گفت که «مطالعه علمی معنا»، به اصطلاح عام، شاخه‌های مختلفی چون معناشناسی فلسفی، معناشناسی منطقی، و معناشناسی زبانی را شامل است. مطالعه علمی معنا از دیرباز به گونه‌های مختلف و از زوایای گوناگون صورت گرفته است.

معناشناسی فلسفی به مطالعه فلسفه زبان می‌پردازد. مطالعه فلسفه زبان، و اینکه اساساً زبان چگونه پدید می‌آید و چه جایگاهی دارد در این سنخ معناشناسی جای دارد. مطالعات عقلی در باب زبان، دارای قدمتی طولانی است. اساسی‌ترین پرسش‌های عقلی در باب معنا که معطوف نظر فیلسوفان زبان بوده‌اند، به چگونگی درک معنا و ماهیت دلالت ارجاع می‌شوند. پاسخ به پرسش‌های یادشده در قالب دو رهیافت ارجاعی و رهیافت بازنمودی، قابل ملاحظه است.

از سوی دیگر، ربط و نسبت میان زبان و جهان دغدغه دیرپای فیلسوفان و منطق‌دانان بوده است. در این زاویه بحث، زبان به مثابه ابزاری برای صحبت درباره جهان خارج از زبان در نظر گرفته می‌شود. در چنین شرایطی، درک معنای یک گفته به منزله امکان تطبیق گفته با موقعیتی است که توضیح می‌دهد. این روش مطالعه معنا را می‌توان رهیافتی ارجاعی^۱ دانست که نقطه پیوند نمادهای زبان با واقعیت‌های جهان خارج است. در این نوع جستجو تلاش بر آن است تا صحت و سقم جملات زبان با توجه به موقعیت جهان خارج، تعیین شود. برای دست یافتن به این مهم، معناشناسان منطقی می‌کوشند با استفاده از نظریه‌های مطابقت^۲، انسجام^۳، یا جز آنها، با آگاهی از شرایط و بافت موقعیتی، میزان مطابقت یک پاره گفتار را با جهان خارج دریابند. در اینجا ارزش صدق^۴ یک گزاره با توجه به جهان خارج مشخص می‌شود. نظریه‌های منطقی در باب معنا در دو گروه نظریه‌های کلان مانند نظریه گزاره‌ای^۵ و نظریه انگاره‌ای^۶ یا نظریه کاربردی^۷ و نظریه‌های خرد و محدود به حوزه‌ای خاص چون نظریه وصف خاص^۸ به مطالعه معنا می‌پردازند (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵).

اما معناشناسی به اصطلاح خاص، معطوف به خود زبان و چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنا از طریق زبان است. معناشناسی زبانی، شاخه‌ای از زبان‌شناسی است در اصل،

1. denotational

2. corresponding theory

3. truth value

4. propositional theory

5. ideational theory

6. use theory

7. definite description theory

بازنمودهای ذهن آدمی را بازکاوی می‌کند. این نوع معناشناسی برحسب روش مطالعه علمی معنا به شیوه نظری یا کاربردی به دو شاخه عمده تقسیم می‌شود؛ معناشناسی زبانی (سمانتیک) و کاربردشناسی (پراگماتیک) به عنوان دو شاخه از مباحث فلسفه زبان هستند، که اصطلاح سمانتیک معطوف به مطالعه نظری معنای زبانی بر دو صورت همزمانی و در زمانی (تاریخی) و اصطلاح دوم معنای متکلم و مراد وی را در نظر دارد. این شیوه معنی‌شناسی را رهیافت بازنمودی^۱ نیز می‌نامند که بازنمود عملکرد ذهن آدمی را بازکاوی می‌کند.

معنی معناشناسی زبانی (سمانتیک) و کاربردشناسی (پراگماتیک) در سده اخیر با اقبال جدی مواجه بوده و نظریه‌هایی گوناگونی را به ظهور رسانده‌است. ساخت‌گرایی با رویکردهای گوناگون نظریه حوزه واژگانی، تحلیل مؤلفه‌ای و معناشناسی رابطه‌ای تا معناشناسی نقش‌گرا، معناشناسی قومی فرهنگی، معناشناسی تفسیری، معناشناسی زایشی، و سرانجام، معناشناسی شناختی از سوی اندیشمندان متعدد مناطق مختلف اروپا و آمریکا، نشان‌دهنده دامنه گسترده این سنخ مطالعه و فرایندهای این رشته از دانش است. همچنان که تحقیقات فلسفه زبانی در حوزه کاربردشناسی نیز اهمیت خاص این شاخه را به تصویر می‌کشد. به نظر می‌رسد معناشناسی زبانی، باید آن‌گونه در نظر گرفته شود که همه ساحت‌های معنای زبانی را پوشش دهد.

۹-۱. سنخ‌شناسی

همچنان که از خلال عناوین مطرح شده پیداست، سنخ این پژوهش و مسائل بررسی شده در آن، از جنس فلسفه زبان یا زبان‌شناسی فلسفی، معناشناسی فلسفی‌اند. نظریه‌های معنایی، تفحص در ظرف ثبوتی و وجودی معنا (معنا در کجاست؟ در واژه، ساختار جمله یا متن، در اندیشه متکلم یا ذهن مخاطب؟ یا...؟)، معناداری و مباحث مربوط به حکایت و صدق که مسئله رابطه زبان و جهان بیرون از زبان را مطالعه می‌کنند، جملگی از مسائل حوزه فلسفه زبان و زبان‌شناسی فلسفی‌اند. به طبع این بخش از معناپژوهی زیربنای مسائل حوزه معرفت‌شناسی معناست که شامل معناشناسی زبانی (سمانتیک) و کاربردشناسی فلسفی (پراگماتیک) و نیز هرمنوتیک می‌شود. بدین‌رو، مسائل مربوط به معناشناسی به مشیت حضرت حق، در کتابی دیگر پی گرفته خواهد شد.

1. representational

۱-۱۰. هدف این کتاب

آشکارسازی و ایضاح امور ذیل را می‌توان هدف این پژوهش برشمرد:
یک، بررسی مسئله معنا و تلاش در به دست دادن دیدگاهی موجّه در ماهیت همه‌جانبه معنا؛
دو، تبیین موطن معنا و ظرف وجودی آن و اثبات هستی معنا در نشانه‌های زبانی و بسترهای فرازبانی؛
سه، تبیین سازوکار معناداری جملات و گزاره‌های متافیزیکی، به‌ویژه با عنایت به متون دینی و جملات قرآن به مثابه متن وحیانی پروردگار متعال؛
چهار، تبیین واقع‌گرایی و روش تحقیق در گزاره‌های متافیزیکی دینی و ارزیابی چالش‌های ناظر به حوزه معرفت‌بخشی این سنخ گزاره‌ها؛
پنج، بررسی چگونگی تحصیل یقین در گزاره‌های دینی و مناط صدق این نوع گزاره‌ها.

۱-۱۱. ضرورت

امروزه دیدگاه‌های مختلفی در تعریف «معنا» وجود دارند. بی‌شک، گزینش هر یک از این نظریه‌ها می‌تواند جهت‌بخش تفسیر و ترسیم‌کننده روش دستیابی به معانی قرآن کریم باشد. همچنان که شیوه‌های گوناگون تفسیری از سوی نحله‌های مختلف نیز صرف نظر از گرایش‌های فرقه‌ای و ویژگی‌های شخصی و توانمندی‌های فردی، به دیدگاه مبنایی آنان نسبت به معنای قرآن، ارتباط می‌یابد. از این‌رو، مطالعه و راهبرد درست ماهیت معنا، و ظرف وجودی معنا، یک ضرورت علمی و جهت‌بخش در روند تفسیر و معنانشناسی متون دینی کتاب و سنت به شمار می‌رود. همچنان که ایضاح مفاد و معیار معناداری و تمایزگذاری آن از روش اثبات صدق انواع گزاره‌ها، از جمله مسائل مبنایی است که تأثیری چشمگیر در زیرساخت معرفت دینی و اندیشه اسلامی بر جای می‌نهد.

۱-۱۲. اهمیت معنا و معناپژوهی

اهمیت مطالعات زبانی و معناپژوهی به خود «معنا» بازمی‌گردد؛ زیرا هیچ زبانی نمی‌تواند بدون «معنا» وجود خارجی داشته باشد (مختار عمر، ۱۹۸۵، ص ۵) هر نوع پژوهش و کاوش در زبان‌شناسی یا نحو، «فهم معنا» و هویت آن را هدف خود می‌داند. بدین‌روی، دستاورد نهایی

دانش زبانی در سطوح مختلف آوایی، صرفی، نحوی و اجتماعی، «معنا» است. کُنش زبانی به‌خودی‌خود چیزی جز ابراز تفاهم اجتماعی نیست و تفاهم جز از طریق الفاظ زبانی که منشأ تفاهم است، فراهم نمی‌آید (انیس، ۱۹۷۶، ص ۱۱ و ۱۲؛ حسان، ۱۹۵۵، ص ۳۴؛ همو، بی‌تا، ص ۲). به گفته دیگر، «دلالت» یا همان تفاهم، گوهر پدیده زبان است و بدون دلالت که «کنش زبانی» ابزار آن است، الفاظ و ترکیب آنها نقش و تأثیری ندارند.

۱-۱۳. پرسش‌ها و مسائل

یک؛ معنا چیست؟ (چیستی معنا)؛

دو؛ معنا در کجاست؟ (وجودشناسی معنا، یا ظرف ثبوتی معنا)؛

سه؛ معناداری چیست؟ ملاک آن کدام است؟ و چگونه می‌توان از معناداری گزاره‌های دینی سخن گفت؟

چهار؛ روش تحقیق و اثبات واقع در گزاره‌های دینی چیست؟

پنج؛ ملاک صدق گزاره‌های متافیزیکی و دینی چیست؟ (رابطه زبان، معنا و جهان).

۱-۱۴. فرضیه‌های تحقیق

یک؛ معنا یک هویت فرایندی و حقیقت چندبعدی است که منشأ انتزاع آن واقعیت‌های نفس‌الامری بوده و نشانه زبانی دال بر آن هویت، انتزاعی است؛

دو؛ برخلاف رویکردهای انکار معنا در نشانه زبانی و نگرش‌های تک‌ساحتی، ساختارگرایانه، یا قومی فرهنگی، ظرف وجودی معنا به صورتی فرایندی همه ساحت‌های زبانی واژه، جمله و ساختار، و عناصر فرایندی چون اراده گوینده و جز آن است؛

سه؛ معناداری سخن، ناظر به ایجاد رابطه ذهنی برای مخاطب است که در پرتو ترکیب هوشمندانه الفاظ زنده در یک جامعه زبانی رخ می‌دهد. بر این اساس، گزاره‌های متافیزیکی و دینی معنادار شمرده می‌شوند؛

چهار؛ براساس روش تحقیق، واقعیت هر چیز به اقتضای خود آن بوده و گزاره‌های متافیزیکی و دینی قرآنی، ریشه در واقعیت داشته، قابل اثبات‌اند؛

پنج؛ ملاک صدق گزاره‌ها و مناط معرفت، ارجاع دادن گزاره‌های نظری به بدیهیات است.